

## مهنا رضایی

می‌ایستند. هر چند زبان همواره به نقطه‌ای غیر از حقیقت اشاره دارد و هیچ‌گاه زبان معادل معنا یا حتی مجموعه‌های نشانه نیست بل بیانی است که ما را با احتمالات در عرصه‌ی معنا مواجه می‌سازد.

«تفاوت استعاره با نماد آن است که در استعاره، مستعار یا برادر... جانشین مستعار منه یا هدف... می‌شود.»

نماد چه در نگارش و چه در خوانش متن، فاصله از دلالت و گشاینده‌ی گستره‌ی خیال است. کانت خیال را با افزایش قرین می‌داند. نماد وجودی عینی در متن است که در زنجیره‌های ارتباطی عوامل زبانی همنشینی، بر معانی افزونه‌ای دامن می‌گسترند. تکرار می‌تواند جنبه‌ای نمادین به متن ببخشد. تکرار قادر است وضعیتی استعاری را به گسترده‌گی نمادین بدل سازد. تکرار ضمانت معنا نیست زیرا هر سوژه از منظر اجتماعی ویژه‌اش با آن قرین می‌گردد. در نماد نوعی سرکشی از صراحت نهفته است و معانی نمادین وابستگان دریافت و تعبیر ممکن مخاطبان خویش‌اند. متن می‌تواند منشاء حضور نمادهایی با عملکردهای گوناگون و بروز شکلی از پلی فولی و وسعت دامنه‌های تلویلی گردد.

نمادها، بیان‌های چند معنایی هستند که ما را به معانی پیچیده و قلمرو هرمنوتیک هدایت می‌کنند. بل ریکور می‌گوید: «من هر گونه ساختار دلالتی را که در آن یک معنای مستقیم اولیه و تحت‌اللفظی به واسطه‌ی گسترش، به معنای دیگر اشاره کند که غیر مستقیم، ثانوی و مجازی است و فقط از راه معنای نخست شناخته می‌شود» «نماد» می‌خوانم.

گذر از مرحله‌ی اینه‌ای لاکنی، آغاز تجربه‌ی نمادین است. تجربه‌ی این همانی‌ها در جهان پر ساخته از نمادها، همسنگ یا توسع توان تلویلی بر اساس داشته‌های پیشین و قیاس‌های فردی منجر به نتایج است. از دیدگاه نشانه‌شناسیکه زبان، جایگزینی چیزها و استعاری است. استعاره نوعی مجاز، و نماد کاربرد ویژه‌ی استعاره است. از نظر رابرت اسکولز «... نمادسازی غنی‌ترین و پیچیده‌ترین همه فرایندهای استعاری است.» نماد در رمز گونه‌گی و تعدد معانی از استعاره پیشی می‌جوید. لیک هیچ‌یک نقش کلیدگونه را نمی‌پذیرند.

سخن نمادین ابهام‌آلود است لیک به رغم برخی که استعاره را نوعی پنهانی معنا دانسته‌اند، هر دوی این دو صورت بیانی در فاصله‌ای از معانی ثبوتی و واحد - نماد در فاصله‌ای مضاعف -

تاویل، انتقالی از همپوشانی چند گانه‌گی‌های معنایی به محوری واحد است. محوری که لزوماً بر تتاویل پیشین یا پسین از جانب تاویلگر یا سایر تاویل‌گران منطبق نیست. هرگونه تلاش تاویلی مبتنی بر آشناسازی تفسیری - فلسفی است که دربره‌ی نظام نمادین متن برای انتصاب معانی نهفته به معانی متجلی اعمال می‌گردد. معانی ثانویه در حیطه‌ی اختیار مخاطب و بی

### زبان نماد؛ غیر ایمن و مبهم است. مخاطب در پی مورد تاویلی به غرقاب چندگانه‌گی روابط نماد با سایر کدهای زبانی می‌افتد که خود مبتنی بر معانی چندگانه‌اند

اعتنا به تلاش ثبت معانی اندیشه‌گی از جانب مؤلفند. خویش، تحقق هرمنوتیکی متن و واجد صور گوناگون و منشاء گسترده‌گی و تعدد معانی است. چارچوب ارجاعی گزینش شده‌ی مخاطب برداشت او را سامان می‌دهد.

تعامل مخاطب و وجوه بیان نمادین در روندی فرو کاهنده به تحلیل و یکپارچه‌سازی غیر شرطی می‌انجامد.

اکو بر آنست که «... معانی نمادین دو گزاره که واقعیتی یکه را بیان می‌کنند می‌توانند با یکدیگر تفاوت داشته باشند، به همین شکل تاویل‌های گزاره‌ای واحد نیز از دیدگاه نمادین با هم متفاوتند.»

مخاطب در مواجهه با بروز نمادین زبان در آفرینه‌های کلامی و زنجیره‌ی تصاویر حسی؛ دیداری و شنیداری، موجودی وابسته‌ی زمان و از آن‌رو پیش فرض‌های جمعی و باورهای فردی و در انقیاد نیروهای بیرونی متعدد و تجارب پیشینی خویش است.

نمادها با توسع بیانی دیدگاه‌ها ارتباط می‌یابند. وابسته‌گی نماد به زمینه التزام طرز تلقی واحد مؤلف و مخاطب از آن نیست. نمادها با اتخاذ ویژه‌گی انفرادی دستخوش تنوع معانی هستند که به شیوه‌ی در زمانی بر آنها عارض می‌گردد.

فاصله‌ی نماد و دلالت بردمای ابهامی بر حقایق مفروض است. جانشین‌سازی‌ها نزد مؤلف به تناسب و تشخیص فردی و در منظر عمومی به ارزیابی آزادانه تن می‌دهند. فرا روی مدلول از توجیه دال، گشایش عرصه‌ی دلالت‌های ضمنی برخاسته از نماد است. روابط همنشینی متن نمادین عامل گسترش معانی گفتمانی می‌گردد.

عملکرد قراردادی نشانه‌های هنری و از آن جمله نشانه‌ی نمادین، مستوجب پنهانی معنا در قلمروهای فردی است. در بیان کلی گسست مناسبات واقعی با موضوع، نشانه‌های زبانی را بر بنیادی نمادین می‌نشانند.

نماد از نشانه حتی در جایگاه علامت و ایفای نقش بیانگر در می‌گذرد. نشانه‌های نوشتاری مبدع نظام نمادین و بافتی تحلیل پذیرند که شبکه‌ای از نشانه‌های پیوند گسسته از مصداق را در گستره‌ی دلالت‌های ضمنی عرضه می‌کنند. این رمزگونه‌گی را جز به ساحت تاویلی راه نیست. که توجیه قیاسی و دریافت حسی نشانه‌ها را پشت سر می‌نهد. تمامه پارادوکس حضور -

غیاب و رو نهان دلالت‌های آشکار به راز و رمزهایی تنیده در روابط همنشینی - جانشینی است. تلاش تشخیصی در میان ساختارهای ممکن معنا ساز، معطوف به دور از دست بودن روابط جانشینی بین نشانه‌های در محلوده‌های معنا شناسی میل است. هرمنوتیک فلسفی به گزینشی میان تاویل‌ها برآمده از تحلیل فراگیر نظام‌های نمادین دست می‌زند. تجلی چیزها در زبان روایی، پذیرش سوبیه‌ی نمادین و پذیره‌ی مکالمه با ذهن مخاطب و درک نسبی و مقطعی حاصله است. ناتوانی چیزها در گواهی بر خویش، سخن نمادین را نه در معرض تعیین‌های بخردانه‌ی معما و استخراج اندیشه‌ی پنهان که در کشاکش تنوع انگیزش بر مبنای جابه‌جایی راز نگاه می‌دارند. زبان نماد؛ غیر ایمن و مبهم است. مخاطب در پی مورد تاویلی به غرقاب چندگانه‌گی روابط نماد با سایر کدهای زبانی می‌افتد که خود مبتنی بر معانی چندگانه‌اند. نگارش ادبی رسالت علمی صراحت را با بیان تلویحی معاوضه می‌کند؛ متن قانون خویش است. در آثار سمبولیسم مدرن، نمادها به ویژه از نوع خصوصی‌اند. دلالت‌های ضمنی منتصب به این کدگذاری‌ها با ریشه‌های فرهنگی عجین است. نمادهای شخصی، واژگان و موسیقی‌شان

را تسخیر می‌کند تا در طرح سمبلیک مفاهیم انتزاعی، شیوه‌ای شعرگونه اتخاذ کنند. «... کنت بورک .. نماد را یک الگوی تجربی می‌نامد و این تعریف معادل تعریف ... از واژه "نمود" است... او به "سرنخ‌هایی" که ما را به "خوشه" تصویری و در پی آن به نمادها رهنمون می‌گردد. اشاره می‌کند.» نقد نمودگرایی به الگوهای تصویر - استعاره -

### سخن نمادین ابهام‌آلود است لیک به رغم برخی که استعاره را نوعی پنهانی معنا دانسته‌اند، هر دوی این دو صورت بیانی در فاصله‌ای از معانی ثبوتی و واحد - نماد در فاصله‌ای مضاعف - می‌ایستند

نماد و حتی صور مثالی توجه دارد. در آثار سمبولیکه موجودات اشیاء و یا تصاویر به دنیای تجرید - ذات متعلقند. این عناصر در شبکه‌ی جادویی سایر عناصر کلامی حضوری خلاقند. تصویر امکان حضور توصیفی مفاهیم نمادینند. سوزه در اسارت فرآیندهای تحلیلی منبعث از جایگاه نمادین خویش با زنجیره‌ی دلالتی؛ عامل گره گشا - کوری آور در رابطه‌ای دیالکتیکی وارد می‌شود. بازی دالها در اثر نمادین، منع مؤکد خواست درک مطلق است.

منابع:

- هرمنوتیک مدرن - گزینه‌ی جستارها - نیچه
- هیدگر، گادامر، ریکور، فوکو، اکو، درایفوس و...
- بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی - نشر مرکز چاپ سوم ۱۳۸۱ (۱۳۳۱-۱۳۴۱)
- عناصر داستان - رابرت اسکولز - فرزانه طاهری - نشر مرکز ۱۳۷۷ (۷۵۲)
- فرهنگ اصطلاحات ادبی - سیما داد. انتشارات مروارید ۱۳۸۰ (۳۰۱۳)
- ساختار و تاویل متن - بابک احمدی - نشر مرکز - چاپ چهارم ۱۳۷۸ (۳۶۶ \* ۴)
- راهنمای رویکردهای نقد ادبی - گورین، لیر، ویلینگهام، مورگان - زهرا میهن خواه - انتشارات اطلاعات - چاپ سوم ۱۳۷۷ (۲۱۴ \* ۵)